

**چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹** ۱۹ رمضان ۱۴۴۱ یا ۱۳ می ۲۰۲۰

شرح کاملی از اومانیسم در دوران بی‌خدایی

# قدرت انتخاب در برابر قدرت ایمان



حمید صیغی منش

سریال WESTWORLD یک فیلم درام عجیب و در هم تنیده فلسفی دارد که با جلو رفتن سریال لایه های زیرین آن نمایان تر میشود. این سریال به نوعی تمام جهان‌های موازی عالم را در کنار هم در قالب تمثیلی خاصی گرد آورده است و به آن نمایی با تم و زاویه دید اومانستی بخشیده است.

ظلم و پسرفت اخلاقی و فجایعی که انسان به بار آورده است او را در معرض انقراض و نابودی ار داده و رسماً او را بی‌خدا کرده است. اتفاقات دهشتناک قرن بیستم باعث شده است تا او احساس کند که در این دنیای زور و ستم خدایی نیست. یا بهتر است بگوییم سخن نیچه را محققا دیده است که می‌گفت خدا مرده است.

هسته اصلی و بهانه شکل‌گیری وست ورلد از

همین جا ناشی شده است. در روزگاری که خدایی نیست برای نظم و کنترل بشریت باید هزینه کرد. هزینه تغییر و تحول در ذائقه، غریزه، خشم و شهوت. اگر بخواهیم بدون نگرانی از لو رفتن داستان این سریال و برای تبیین بهتر حقیقت این مجموعه تلویزیونی بگوییم، باید گفت که داستان این سریال درباره جهان آینده است که سیستم بزرگی توسط هوش مصنوعی فوق پیشرفته‌ای در حال کار است که برای زندگی تمام شهروندان جهان برنامه‌ریزی دارد.

در جهان فرضی وست ورلد که به سال‌های میانی قرن ۲۱ برمی‌گردد خشونت و جنایت‌ها به طور شفاف‌ی کم شده است اما علت آن نظم و برخورداری از اخلاق نیست بلکه انسان‌هایی که دچار مشکلات جنونی، روانی و اخلاقی بوده‌اند در مرکزی با فاصله بسیار زیاد در دل کویر و زیرزمین منجمد شده‌اند. آنان در این سریال «بیگانه» خوانده می‌شوند.

این ایده به طور شفاف‌ی ما را یاد کتاب مهم «تاریخ جنون» میشل فوکو می‌اندازد که در آن درباره دوران قرن‌وسطی سخن می‌گوید که بیماران روانی را بیرون از شهر‌ها می‌کردند تا روزگاری که با تأسیس بیمارستان‌ها آنان را بار دیگر به شهر برگردانند و تحت نظر علم تلاش کردند تا آنان را مبادا کنند. در واقع وست ورلد از این دست مسائل علمی و نظریات علوم انسانی در دراماتیزه کردن ایده‌ها خود بهره‌های خوبی برده است.

اصل و اساس سطور فوق که نشان از کنترل

و مدیریت اخلاق یا تکنولوژی و فناوری دارد نیز

وست ورلد با نمایش اپیزودهای آخر که در

آن دلورس کاراکتر اصلی ربات و به نوعی قهرمان خاکستری داستان نظم موجود را بر هم می‌زند، شیوه مذکور و روال موجود را درهم می‌شکند تا

انسان‌ها با انتخاب خودشان زندگی کنند. چیزی که در سال‌های آتی به قدرت هوش مصنوعی عملاً از انسان گرفته شده است و باید او بار دیگر با به کارگیری آن راه و روش خود را برای زیستن انتخاب کند. بنابراین وست ورلد از این نظر اثری اساساً اومانستی است و باید آن را جزو انسان‌گرایانه‌ترین آثار هالیوود سال‌های اخیر دانست. زیرا بحث اصالت انتخاب و ارده جزو فصول مهم نظریه‌پردازان

مغرب زمین مانند شوپنهاور و دکارت در فلسفه و در بحث و تبیین دقیق‌تر اومانیسیم است.

اما این تمام حرف سریال نیست؛ دلورس با برپایی آشوب و لجام گسیختگی وحشتناکی که راه انداخته است و بسیار فضا را به روزهای پایان دنیا یا همان آپوکالیپس نزدیک کرده است آنقدر هم ظالم و بی‌رحم نیست. او بر خلاف آنچه که به نظر می‌رسد باعث انسان و بشریت باشد در نهایت قرار است تا با کمک یک انسان به بشریتی که در باطن نابود و منقرض شده است کمک کند. اینگونه او مخاطب را امیدوار می‌کند. او در طراحی خود قهرمانی را پیدا می‌کند که ناجی انسان‌ها در روزهای واپسین باشد. مردی که مانند مردم دیگر قهرمان‌های هالیوود از دل جامعه و در حالی که گوشه عزلت گزیده است یکباره با کمک هوش مصنوعی، کامپیوتر و سیستم انتخاب می‌شود.

این کلیشه قیلاً نیز در فیلم‌هایی مانند ترمیناتور و ماتریکس نیز وجود داشت.انسان‌های متنجی که قرار است تا نسل بشر را که گرفتار ابرایانه یا A.I (هوش مصنوعی) است و دچار آشوب، هرج و مرج و یا خفقان است را نجات بدهد. بنابراین بار دیگر از کلیشه تکراری هجوم هوش مصنوعی به عنوان رقیب انسان و نابودی یا استیلای انسان بر آن بهره گرفته است.

ناجیان سریال‌ها و فیلم‌های هالیوود همواره انسان‌ند و هیچ‌گاه منجیان الهی برای نجات بشر وارد صحنه نمی‌شوند. انسان‌ها همواره ناجیان انسانند تا چه زمانی این کلیشه می‌تواند تکرار شود؟ سال‌های میانی و پایانی قرن بیستم نیز این باور تشدید شد که در سال‌های پایانی دنیا مثلاً در ابتدای هزاره ۲۰۰۰ انسان بشریت را نجات خواهد داد.

او با انتخاب‌ها و قوت در تصمیم و خرد جمعی به رهبری یک سرباز آمریکایی یا متفکر و دانشمند پیروز خواهدشد. امروز در همان سال‌های پیش‌بینی هشتمین آپا چنین امری محقق شده است؟ وست ورلد با تکرار این رویه به پیش‌بینی سال‌های میانی قرن بیست و یک پرداخته است؛ روزگاری که علم شکت خورده است و انسان با اتکا یا بازگشت به خویشتن خود را نجات خواهد داد. اما این فرضیه غلط امروز نتیجه اشتباه خود را نشان داده است که این انسان و نیروی انتخاب نیست که ناجی بشر است بلکه منجی الهی و نیروی ایمان است که ناجی بشریت خواهد بود.

قهرمان جدید وست ورلد با کمک دلورس همه چیز را از بین می‌برد و بار دیگر باید از اساس درست کند. تم آشوب و هرج و مرج که در جوکر نیز مشاهده شد و در نهایت به نفع سرمایه‌داری به صورت تلویحی مصادره شد، در وست ورلد تا اینجای کار به نفع سرمایه‌داری نیست مگر آنکه در فصول بعدی اتفاق دیگری رخ دهد. البته قهرمان تازه وارد سریال با بازی آرون پال که در برکینگ بد بازی خوبی را خود ارائه کرده بود سرباز مبارز و اخلاق‌مدار ایالات متحده آمریکا است که به این شکل تا حدودی زهر ضدلیبرالیسمی را از آن می‌کاهد.

در هر حال این سریال مدل نهایی و کامل خود را در این فصل ارائه نداده است و باید دید که چه برگ برنده‌ای را در فصول بعدی خود ارائه خواهد کرد.



چیره‌دست است و با مجلاتی، چون نیویورک تایمز، لس‌آنجلس تایمز، گاردین، وال‌استریت ژورنال و آتلانتیک همکاری می‌کند. در کنار این مهارت‌ها و قلم‌زدن‌ها، تیری در کارگاه‌های نویسندگی دانشگاه آیوا هم شرکت داشته. بعدها که از این دوره‌ها فارغ‌التحصیل شد، حتی به استادی هم رسید و حالا استاد کارگاه‌های نویسندگی همان‌جاست. تازگی هم موفق شده جایزه «پل اینگل» را دریافت کند. جایزه «پل اینگل» هرساله به نویسندگان، ناشران، ویراستاران و معلمان‌ی که در آثارشان به موضوعات روز دنیا و همچنین بهترشدن دنیا در آثار ادبی می‌پردازند، اهدا می‌شود. او حالا ساکن آمریکاست.

**فیروزه جزایری دوما**

«عطر سنبل، عطر کاج» به سرعت بین مردم پیچید و همه از خالق آن به‌عنوان یکی از نویسندگان محبوب ایرانی گفتند. هرچند زمان زیادی نگذشت که فیروزه جزایری در گفت‌وگویی از خوانندگان فارسی‌زبان تمنا کرد کتاب‌هایش را که به فارسی ترجمه شده، نخرند و نخواند! عجب معرکه‌ای بود! چون بعضی ترجمه‌ها از آثارش آن‌قدر افتضاح بودند که اصولاً نمی‌فهمیدی درحال خواندن یک متن فارسی هستی یا ترجمه درهم و برهم گوگل‌ترنسلیتور. اما همچنان کتاب‌هایش را خریدند و به حرف نویسنده گوش نکردند! «عطر سنبل، عطر کاج» با نوعی شوخ‌طبعی به بعضی سنت‌های ایرانی اشاره داشت، البته با انتقادهایی هم همراه شد. بعضی‌ها گفتند نویسنده رسم و رسوم ایرانی را به سخره گرفته و از این حرف‌ها یک یک مقدار مته به خشخاش گذاشتن است و به نظر بنده دور از حوزه نقد و نقادی. ضمن اینکه نویسنده در ایران بزرگ نشده و چه انتظاری می‌شود داشت؟ او متولد ۱۳۳۴ در آبادان است، اما در سن هفت‌سالگی به همراه خانواده از طرف شرکت نفت ایران که پدرش در آن به‌عنوان مهندس کار می‌کرد، به شهر ویتیر در کالیفرنیا رفت. بعد از دوسال زندگی در آمریکا که به ایران بازگشت و در اهواز و تهران بود، دوسال بعد، اما دوباره خانواده‌اش به آمریکا برگشتند و فیروزه جزایری برای تحصیل به دانشگاه برکلی رفت. آنجا با مردی فرانسوی ازدواج کرد و… زندگی خصوصی‌اش را برپید در اینترنت بخوانید، به کتاب ارتباطی ندارد. آنچه مربوط است، شهرت‌ش در نوشتن است که به «عطر سنبل، عطر کاج» برمی‌گردد. جزایری به خاطر نوشتن کتاب «خاطره بزرگ‌شدن یک ایرانی در آمریکا» معروف شد. این کتاب یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های آمریکا در چندسال اخیر بود و یکی از سه نامزد نهایی جایزه «نرژ» در سال ۲۰۰۵، همین‌طور نامزد جایزه «پن» در بخش آثار خلاقه غیرتخیلی.

**پروچستا خاکپور**

اسم کتاب آنقدرها تأمل‌برانگیز و عجیب بود که بخواهم بدانم نویسنده‌اش کیست: «پسران و دیگر اشیای قابل اشتعال» خاکپور، نویسنده ایرانی آمریکایی، این رمان را سال ۲۰۰۷ به زبان انگلیسی نوشت و همان‌سال هم جایزه کتاب کالیفرنیا را برد. «پسران…» به فهرست بهترین کتاب‌های شیکاگو تریبون هم راه پیدا کرد و کتاب برگزیده نیویورک‌تایمز هم بود. این‌ها همه افتخارات رمان اولش بود. سال ۲۰۱۴ هم رمان دوم را با عنوان «وهم» منتشر کرد که در فهرست ۳۰ کتاب برتر سال به انتخاب نشریه هافینگتن پست جای گرفت. حدود دوسال پیش هم سومین رمانش با عنوان «مرض» چاپ شد. خاکپور در «پسران…» به نسل‌های مختلف مهاجران پرداخته، در «وهم» سراغ درگیری شخصی خودش با بیماری غدد لنفاوی رفته و در «مرض» دوباره کندوکاوی درباره بیماری کرده است. خاکپور متولد ۱۳۵۷ در تهران است و حالا ساکن نیویورک. به انگلیسی می‌نویسد و در آمریکا به شهرت رسیده است. چهارساله بوده که به آن کشور رفته و تمام تحصیلاتش را هم طبیعتاً آنجا به پایان برده؛ مدرک عالی در رشته نویسندگی خلاق. او هنوز هم برای نشریات و روزنامه‌های آن کشور می‌نویسد.

**چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹** ۱۹ رمضان ۱۴۴۱ یا ۱۳ می ۲۰۲۰

شرح کاملی از اومانیسم در دوران بی‌خدایی

# قدرت انتخاب در برابر قدرت ایمان

حمید صیغی منش

سریال WESTWORLD یک فیلم درام عجیب و در هم تنیده فلسفی دارد که با جلو رفتن سریال لایه های زیرین آن نمایان تر میشود. این سریال به نوعی تمام جهان‌های موازی عالم را در کنار هم در قالب تمثیلی خاصی گرد آورده است و به آن نمایی با تم و زاویه دید اومانستی بخشیده است.

ظلم و پسرفت اخلاقی و فجایعی که انسان به بار آورده است او را در معرض انقراض و نابودی ار داده و رسماً او را بی‌خدا کرده است. اتفاقات دهشتناک قرن بیستم باعث شده است تا او احساس کند که در این دنیای زور و ستم خدایی نیست. یا بهتر است بگوییم سخن نیچه را محققا دیده است که می‌گفت خدا مرده است.

هسته اصلی و بهانه شکل‌گیری وست ورلد از

همین جا ناشی شده است. در روزگاری که خدایی نیست برای نظم و کنترل بشریت باید هزینه کرد. هزینه تغییر و تحول در ذائقه، غریزه، خشم و شهوت. اگر بخواهیم بدون نگرانی از لو رفتن داستان این سریال و برای تبیین بهتر حقیقت این مجموعه تلویزیونی بگوییم، باید گفت که داستان این سریال درباره جهان آینده است که سیستم بزرگی توسط هوش مصنوعی فوق پیشرفته‌ای در حال کار است که برای زندگی تمام شهروندان جهان برنامه‌ریزی دارد. در جهان فرضی وست ورلد که به سال‌های میانی قرن ۲۱ برمی‌گردد خشونت و جنایت‌ها به طور شفاف‌ی کم شده است اما علت آن نظم و برخورداری از اخلاق نیست بلکه انسان‌هایی که دچار مشکلات جنونی، روانی و اخلاقی بوده‌اند در مرکزی با فاصله بسیار زیاد در دل کویر و زیرزمین منجمد شده‌اند. آنان در این سریال «بیگانه» خوانده می‌شوند.

این ایده به طور شفاف‌ی ما را یاد کتاب مهم «تاریخ جنون» میشل فوکو می‌اندازد که در آن درباره دوران قرن‌وسطی سخن می‌گوید که بیماران روانی را بیرون از شهر‌ها می‌کردند تا روزگاری که با تأسیس بیمارستان‌ها آنان را بار دیگر به شهر برگردانند و تحت نظر علم تلاش کردند تا آنان را مبادا کنند. در واقع وست ورلد از این دست مسائل علمی و نظریات علوم انسانی در دراماتیزه کردن ایده‌ها خود بهره‌های خوبی برده است.

اصل و اساس سطور فوق که نشان از کنترل

و مدیریت اخلاق یا تکنولوژی و فناوری دارد نیز

# نویسندگان ایرانی تبار با شهرت جهانی

یاسر نوروزی: گفتم این خانم کیست که رمان زندگی فروغ فرخزاد را نوشته؟ چون اسکش بود «جازمین دارزنیک». «ترانه مرغ اسیر» هم اسم کتابش بود. چاپ به چاپ، پشت هم می‌رفت و سال ۱۹۷۰ یکی دو ماهه، سه چهار چاپ آن رفت. با این حال اسکش هم به گوشم نخورده بود؛ نه به‌عنوان رمان‌نویس، نه محقق، نه منتقد. سرچ کردم دیدم پراکنده‌هایی راجع به او در سایت‌های داخلی نوشته‌اند و دست و پا شکسته گفته‌اند کیست. قصه فهمیدم چیست. ماجرا برمی‌گشت به نسل جدیدی از نویسندگان ایرانی که اسم و رسمی بی‌نویسندگان معاصر دنیا به هم رده‌اند، اما نه برای نوشتن به زبان مادری. درواقع زاده آسیا بودند، اما نه درگیر جبر جغرافیا. رفته بودند. جای دیگری بزرگ شده بودند. حتی بعضی‌شان خودشان را ایرانی نمی‌دانستند، اما به‌هرحال پای شناسنامه یا آن سچل اجنبی که خورده «ایرانی» نخورده؟ نمی‌دانم. این خانم جازمین که اصلاً فارسی هم بلد نبود صحبت کند، چون در یکی از شبکه‌های اجتماعی برایش پیغام دادم، اما دیدم در جوابم نوشته: Sorry, I Cant Speak Farsi

**یاسمین درزنیک**

خُب این گزارش را با همین خانم یاسمین شروع کنم، چون چند صباحی گپ زدیم. من با انگلیسی شکسته‌سته، ایشان هم به زبان نامادری. همان ابتدا هم گفت: «من یاسمین هستم. به من نگو جازمین!» درواقع ناشر ایرانی برداشته بود اسم «یاسمین» را خارجی کرده بود. لابد برای فروش بیشتر! اما خانواده‌اش هم «درزنیک» بوده. بعد گفت اصلاً خبر ندارد کتابش در ایران ترجمه شده. درواقع ناشر بی‌خبر برداشته بود رمانش را ترجمه کرده بود و بی‌حق و حقوق پخش کرده بود دل بازار. بازار کتاب ایران هم که دل گنده است و قوانین کپی‌رایت در آن گم می‌شود. برای همین کی به کی است! تو می‌توانی کتاب برنده نوبل را بدون اجازه‌اش اینجا ترجمه کنی، چه رسد به کتاب ایرانی‌تباری دور و بعد!

در هر حال «ترانه مرغ اسیر»، رمانی با روایتی خطی و خواندنی بود درباره زندگی فروغ، هرچند در مقاطعی آمیخته با تخیلات نویسنده. پیشتر البته در ایران خانم مریم جعفری هم رمانی درباره زندگی فروغ چاپ کرده بود به نام «شهرآشوب» (نشر «شادان»). اما «ترانه مرغ اسیر» سرغازی شد برای بنده در جهت شناخت بیشتر این نسل؛ نسلی که ایرانی هستند، اما به زبان فارسی نمی‌نویسند. موفق هم شده‌اند. مثلاً یاسمین درزنیک با رمان اولش، «دختر خوب» به فهرست پرفروش‌های «نیویورک تایمز» راه پیدا کرد و برای این کتاب دو جایزه کمیته حقوق بشر ویرجینیا و سانفرانسیسکو را گرفت. «ترانه مرغ اسیر» را هم مثل «دختر خوب» به انگلیسه‌ای نوشته که نیویورک تایمز آن را «مانی زیبا» با «داستانی شکوهمند» خوانده بود. درزنیک متولد ایران است؛ از مادری ایرانی و پدری آلمانی که در کودکی از ایران رفته و درحال حاضر در آمریکا زندگی می‌کند. برایم نوشت: «اگر ترجمه کتابم را بفهرستی، لطف بزرگی کرده‌ای.» ما هم رومن ملی‌مان رد باز گفتیم: «بهنما، چرا که نه!» بعد خواندم نوشته مادرش اگر ببیند کتابش به فارسی چاپ شده، به آرزویش می‌رسد. برایش فرستادم. به آرزویش رسید.

**آنوسا مشفق**

دنبال خلد مشفق نگردید، چون گفتم نیافتم. بعد دیدم که گویا منزوی‌طور و مطروح‌حال و اینهاست و اصلاً نه اهل فضاهای مجازی است، نه حتی واقعی! درواقع قریظینه شخصی را زودتر از کرونا شروع کرده! همین هفته پیش هم در گفت‌وگویی با گاردین چهره‌ای در این‌باره گفته بود که چندان مهم نیست؛ از این امیدواری‌های تکراری است و نمی‌نویسد! اینجا آنچه مهم است رمان «پلیس» او است که در ایران با سه ترجمه تازه جمشیدی (نشر چترنگ)، سیدمهدی موسوی (نشر شمشاد) و مسلم بخشایش (انتشارات نظری) چاپ شده (البته بدون اجازه نویسنده)، اما درباره نویسنده بگویم که سال ۱۹۸۱ از مادری کروات و پدری ایرانی در بوستون به دنیا آمده است و به زبان انگلیسی هم می‌نویسد و موفقیت‌های زیادی هم داشته است.

سال ۲۰۱۴ برای رمان «هک‌گلو» در فهرست نهایی جایزه بوکر قرار گرفت، سال ۲۰۱۶ برای رمان «آلیس» جایزه بنیاد همینگوی را برد و سال بعد هم برای نوشتن رمان «سال استراحت و آرامش» به‌شدت تمجید و تحسین شد. او حالا به چنان شهرتی رسیده است که بویود ساردیس، طنزپرداز معروف آمریکایی هم در گفت‌وگویی اشاره کرده بود بی‌صبرانه منتظر رمان بعدی‌اش است؛ هرچند

**شماره ۲۹۶۲**

## اخبار

با تنظیم نامه‌ای در دست انجام قرار گرفت؛

**دعوی آموزش و پرورش و کتابفروشان بالا گرفت: ارسال نامه به دفتر رهبری**

جمعی از کتابفروشان سراسر کشور در حال تنظیم نامه‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره اقدامات وزارت آموزش و پرورش در زمینه تغییر سیستم فروش کتاب‌های درسی هستند. بیست و پنجم فروردین ماه جاری در گزارشی که در خبرگزاری مهر منتشر شد، از اقدام وزارت آموزش و پرورش درباره کوتاه کردن دست کتابفروشان از فروش کتاب‌های درسی پرده برداشته شد و عنوان شد که این رویداد در تکمیل پروسه در اختیار گرفتن این مهم از سوی این وزارتخانه طی سال گذشته انجام می‌پذیرفت (اینجا بخوانید). در ادامه روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش نیز در پاسخی به این گزارش به خبرگزاری مهر اعلام کرد که هدف این وزارتخانه از طراحی و راه‌اندازی سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی نظارت نظام‌مند بر فرآیند تولید و فروش و توزیع بر اساس نیاز واقعی، کاهش قیمت کتاب‌های درسی، کاهش مصرف کاغذ، کاهش نرخ کتاب‌های منسوخه، کاهش هزینه‌های مرجوعی و تسهیل دسترسی مخاطبان است و این سازمان به هیچ وجه درصدد تمرکز زدایی، تصدی‌گری و کسب منفعت از فروش کتاب‌های درسی نبوده و نیست. و در ادامه از برگزاری جلسه با اصناف نشر و کتاب‌فروش خبر داده و عنوان کرد که آنها جز تأکید بر سیستم فروش قدیمی و سنتی خود حرفی برای ارائه نداشته‌اند (اینجا بخوانید).

در ادامه عباس اربابی‌نژاد رئیس اتحادیه صنف لوازم التحریر و کتابفروشان شهری با گروه فرهنگی خبرگزاری مهر گفتگو کرد (اینجا بخوانید) و وزارت آموزش و پرورش را مسبب اصلی گرانی کتاب‌های درسی و نابسامانی در توزیع آن عنوان کرد. وی در این مصاحبه بیان کرد که اصرار آموزش و پرورش به ورود مستقیم به عرصه توزیع کتاب درسی و فروش آن خلاف صرح قانون اساسی و فعالیت‌های صنفی بخش خصوصی در کشور است. با این همه روز گذشته محمدمهدی کاظمی معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در گفتگویی با مهر (اینجا بخوانید) عنوان داشت ما مشکلی درباره توزیع کتاب درسی توسط کتابفروشی‌ها نداشتیم و در بخشنامه هم به صراحت آن را اعلام کردیم اما شروطی هم داریم که مهمترینش کاهش سود ناشی از فروش و توزیع کتاب و نیز تبیین وضعتی جغرافیایی توزیع کتابفروشی‌هاست.

در ادامه رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران متن نامه این تشکل خطاب به معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را منتشر کرد که پس از چند ماه و به رغم ادعاهای آموزش و پرورش به آن پاسخی داده نشده است و درباره آن توضیحاتی ارائه کرد (اینجا بخوانید) طی روزهای اخیر اما این مناقشه وارد فاز تازه‌ای شده ایست و جمعی از کتابفروشان کشور با ایجاد کمیپیتی اعتراضی به رفتار وزارت آموزش و پرورش در حال جمع آوری امضا از ناشران سراسر کشور به منظور ارسال نامه‌ای تظلم‌خواهانه خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

متن پیش‌نویس این نامه در فضای مجازی منتشر و تهیه کنندگان آن در حال جمع آوری امضا برای ارسال به دفتر مقام معظم رهبری هستند.

در بخشی از پیش‌نویس این نامه با توجه به فعالیت صنف کتابفروش به عنوان جهادگران فرهنگی انقلاب اسلامی عنوان شده که اقدامات وزارت آموزش و پرورش در تغییر سیستم فروش کتاب‌های درسی و خارج کردن کتابفروشان از آن ضمن مغایرت با اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی کردن اقتصاد که مورد تأیید و تأکید رهبر انقلاب اسلامی بوده است منجر به فاصله گرفتن آموزش و پرورش از اصل مدرسه محوری و به تغییر ماهیت این وزارتخانه از جایگاه نظارت بر توزیع کتب درسی به تصدی‌گری و اجرا منجر شده است.

همچنین تنزل شأن آموزش و پرورش از یک نهاد آموزشی و پرورشی به یک بنگاه اقتصادی با تصمیماتی که در ورود به حوزه‌های فروش کتب درسی، سرویس مدارس و لباس فرم دانش آموزان اتخاذ شده و اقدامات این وزارتخانه در سال گذشته که منجر به عدم توزیع به موقع کتب درسی شد به نحوی که در بعضی شهرستان‌ها حتی ماه‌ها پس از آغاز سال تحصیلی، دانش آموزان بدون کتاب بودند اشتباه در تصمیم این وزارتخانه را بی‌شعر نمایان می‌کند. ایجاد بازار سیاه و فروش نسخه‌های کپی کتب درسی و نبود امکانات زیرساختی اینترنتی در تمامی کشور و عدم شفافیت و پاسخ گویی در تمرکز تولید توزیع و نظارت بر حسن اجرا در یک وزارتخانه و همچنین معذورات دانش آموزان و اولیا در اعتراض و شکایت در صورت هر گونه نارسایی در امر توزیع یا اضافه دریافت بابت کتب درسی از سوی مدارس را نیز باید به تبعات این تصمیم افزود. متن این پیش‌نویس اکنون مورد تأیید و امضای جمع زیادی از کتابفروشان سراسر کشور رسیده است و آماده ارسال به دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی شده است.

با انتخاب کتابی درباره ساموئل بکت

**گنگور به استقبال بهار کتاب‌خوانی رفت؛ معرفی ۴ برنده جوایز جنبی**

داوران جایزه گنگور ۲۰۲۰ برندگان این جایزه مهم ادبیات فرانسه را در چهار بخش رمان نخست، زندگینامه، داستان کوتاه و شعر معرفی کردند.

به گزارش آژانس فرانس پرس، آکادمی گنگور دیروز دوشنبه (۱۱ ماه می) همزمان با بازگشایی کتابفروشی‌ها در فرانسه، برندگان گنگور را در چهار بخش رمان نخست، زندگینامه، داستان کوتاه و شعر معرفی کردند.

جایزه گنگور در بخش رمان اول به ملیس بسری، نویسنده جوان و تهیه کننده برنامه‌های رادیویی برای رمانی با عنوان «یک سوم زمان» اهدا شد. این رمان که از سوی گالیلار منتشر شده روزهای آخر زندگی ساموئل بکت نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرلندی را در خانه سالمندان معقر در پاریس تصویر کرده است. این کتاب از زمان انتشار با اقبال زیادی روبه رو شده و در برنامه‌های مختلف نقد تلویزیونی مطرح شده است.

جایزه گنگور داستان کوتاه به آن سری، نویسنده فرانسوی برای داستان «در قلب یک تابستان طلایی» اهدا شد. این داستان را مرکور دو فرانس منتشر کرده است.

جایزه گنگور زندگینامه نیز به تیری توماس فیلمنمانویس و کارگردان اهدا شد. وی این جایزه را برای کتاب «هوگو پرات، خط به خط» دریافت کرد. هوگو پرات خالق کمیک‌بوک‌های ایتالیایی برای داستان‌سرایی قوی با موضوع تاریخی شناخته می‌شود. وی سال ۱۹۲۷ به دنیا آمد و سال ۱۹۹۵ درگذشت.

جایزه گنگور در بخش شعر نیز به میشل دگویی، شاعر، مترجم، مقاله‌نویس و فیلسوف فرانسوی برای مجموعه آثارش تعلق گرفت.

این جوایز که به عنوان گنگور بهاری شناخته می‌شوند به نویسندگان فرانسوی زبان اهدا می‌شود تا بهاری برپوق را برای کتابفروشان رقم بزنند.

جوایز اصلی گنگور هر سال در ماه سپتامبر شروع و در ماه نوامبر برنده خود را معرفی می‌کند، ولی پیش از آن شاخه‌های جنبی گنگور شامل رمان اول، گنگور دبیرستانی‌ها، داستان کوتاه، شعر، زندگی‌نامه برندگان خود را انتخاب می‌کند.

حمیدرضا شاه‌آبادی و کتاب‌خانه‌های سیار در فهرست ۲۰۲۱

**نامزدهای کانون برای دریافت جایزه آسترید لیندگرن معرفی شد**

حمیدرضا شاه‌آبادی و کتاب‌خانه‌های سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان نامزد دریافت جایزه آسترید لیندگرن در سال ۲۰۲۱ معرفی شدند.

شاه‌آبادی به عنوان نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان و کتاب‌خانه‌های سیار روستایی کانون نیز در بخش پروژه‌های ترویج کتاب‌خوانی به عنوان نامزد دریافت این جایزه در سال ۲۰۲۱ معرفی شدند. جایزه جهانی آسترید لیندگرن، از بزرگترین جایزه‌های جهانی ادبیات کودک و نوجوان است که از سوی دولت سوئد به مناسبت گرمی‌داشت آسترید لیندگرن، نویسنده محبوب سوئدی و صاحب کتاب‌هایی چون «بی‌بی جوراب بلند» و «کارلوس روی پشت‌پام» اهدا می‌شود.

هدف از اهدای این جایزه تقویت سطح کیفی ادبیات کودک و نوجوان و ارتقای حقوق کودکان در جهان است و هر ساله بیش از ۶۰ کشور از سراسر دنیا در این مسابقه شرکت می‌کنند.

هیأت‌های معرفی نامزدهای جایزه سال ۲۰۲۱ را از ایران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودک و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان تشکیل می‌دهند.کانون پرورش فکری در سال گذشته هوشنگ مرادی‌کرمانی را در حوزه نویسندگی و کتاب‌خانه‌های سیار خود را در حوزه پروژه‌های ترویج کتاب‌خوانی به عنوان نامزد دریافت جایزه آسترید لیندگرن معرفی کرده بود.در این میان فعالیت «پیک‌امید» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز در زیرشاخه فعالیت‌های سیار کانون به دبیر‌خانه این جایزه معرفی خواهد شد.

پیک امید فعالیتی است که کانون بر اساس آن با استفاده از توان و تجربه مربیان خود و بهره‌گیری از خودروهای کتاب‌خانه‌های سیار در مناطق حروانی مانند مناطق سیل‌زده یا زلزله‌زده و حوزه‌های کم‌برخوردار حاضر می‌شود و با اجرای برنامه‌های ادبی و هنری به بهبود وضعیت روحی و روانی مردم ساکن آن مناطق به‌ویژه کودکان و نوجوانان کمک می‌کند.

سال گذشته «هی‌نا بیک» تصویرگر کتاب‌های کودکان از کره جنوبی، جایزه آسترید لیندگرن

۲۰۲۰ را دریافت کرد.

**سریال شب‌های قدر مشخص شد/نمایش جالش یک روحانی**

این مینی‌سریال با فضایی معنوی و نگاه به مسائل اجتماعی در محله‌های قدیمی شهر تاریخی

نمنان تصویربرداری شده است.

قسمت اول سریال شب‌ قدر قسمتی وقت صبح مشاب، ۲۳ اردیبهشت به نمایش درمی‌آید. «شب قدر» در هر یک در مرکز صدا و سیما می‌است و به سفارش مرکز سیما استان‌ها تولید شده

است، وقت صبح حدودی ساعت ۲۲:۰۵:۱۵:۲۲:۰۵:۱۰:۳۰ و ساعت ۱۰:۳۰:۱۵ روز بعد بازپخش خواهد شد.

مینی سریال «وقت صبح» سال گذشته هم در دهه اول محرم از شبکه اول سیما پخش شده بود. تیتراژ پایانی این مجموعه را علی مهدوی‌پور خوانده است. این ترانه با نام وقت صبح و با شعری از مولانا جلال الدین محمد بلخی است. ملودی این آهنگ را فرید سعادت‌مند ساخته، تنظیم میلاد بیضا و میکس و مسترینگ هم کاری از نوید صالح‌زاده است.

کاوه خداشناس، نسرين نصرتی، کاظم هژیرآزاد، نگار حسن زاده، صدف بهشتی، سلمان خطی، محمد یگانه، پژمان یآوری، لی لی فرهادپور، حسین صفریان، پناه باقریان،آیسان والی از بازیگران سریال وقت صبح هستند.